

اللَّهُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی
پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: جامعه‌شناسی

عنوان:

تأثیرات جنگ جهانی دوم بر روند توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی اول

استاد راهنما:

دکتر ساسان ودیعه

استاد مشاور:

دکتر طهمورث شیری

پژوهشگر:

شمیم قطب شریف

تابستان ۱۳۹۲

تقدیم به:

پدر و مادر مهربانم

و همسر عزیزم و دختر نازنینم

سپاس و تشکر از؛

خانواده عزیزم که صبورانه با کمک‌های معنوی خود در
پیشبرد امر پژوهش مرا یاری کردند و قدردانی از همه
اساتید، دوستان و کارشناسانی که در روند علمی کار تحقیق
کمک‌های بی‌شائبه‌ای ارزانی داشتند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	چکیده
۱.....	فصل اول: کلیات تحقیق
۲.....	۱-۱ بیان مسئله
۵.....	۱-۲ هدف های تحقیق
۶.....	۱-۳ اهمیت موضوع و انگیزش انتخاب آن
۶.....	۱-۴ سؤالات تحقیق
۷.....	۱-۵ مدل تحقیق
۸.....	۱-۶ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه های کلیدی
۱۴.....	۱-۷ روش تحقیق
۱۴.....	۱-۸ قلمروی تحقیق
۱۴.....	۱-۹ محدودیت ها و مشکلات تحقیق
۱۵.....	فصل دوم: مطالعات نظری
۱۶.....	مقدمه
۱۷.....	۲-۱ مباحث نظری
۱۷.....	۲-۱-۱ نظریه وابستگی
۱۸.....	۲-۱-۲ نظریه راه های نوسازی برینگتون مور
۲۲.....	۲-۱-۳ نظریه تضاد
۲۵.....	۲-۱-۴ نظریه کارکرد گرایی
۲۶.....	۲-۱-۵ مرتون
۲۹.....	۲-۱-۶ دانیل لرنر
۳۰.....	۲-۲ چارچوب نظری
۳۲.....	۲-۳ پیشینه تحقیق
۳۴.....	فصل سوم: روش شناسایی
۳۵.....	مقدمه

۳-۱	روش تحقیق	۳۶
۳-۲	ابزار جمع آوری اطلاعات	۳۸
فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق		
۳۹		
۴۰	مقدمه	
۴۰	الف) بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران قبل از اشغال	
۴-۱	تغییر ساختار و نوسازی ارتش	۴۱
۴-۱-۱	خدمت نظام وظیفه اجباری	۴۵
۴-۱-۲	نقش ارتش در تحولات ایران	۴۸
۴-۱-۳	تسلط نظامیان بر ایلات و عشایر	۴۹
۴-۲	توسعه صنعتی و تجاری	۵۲
۴-۲-۱	افتتاح کارخانه قند کرج	۵۵
۴-۲-۲	اولین کارخانه سیمان در ایران	۵۵
۴-۲-۳	ایجاد کارخانجات دخانیات	۵۵
۴-۲-۴	تأسیس کارخانه برق	۵۶
۴-۲-۵	افتتاح کارخانه شهباز	۵۶
۴-۲-۶	گشایش کارخانه ریسندگی قم	۵۷
۴-۳	وضعیت بازرگانی ایران	۵۷
۴-۴	کشاورزی	۵۸
۴-۵	توسعه حمل و نقل و ارتباطات	۶۰
۴-۶	نظام جدید حقوقی و قضایی	۶۶
۴-۷	اصلاحات اداری و مالی	۶۸
۴-۷-۱	پول و بانکداری	۶۹
۴-۷-۲	اصلاحات اداری	۷۰
۴-۸	نظام نوین تعلیم و تربیت	۷۱
۴-۹	وضعیت مطبوعات در عصر رضاخان	۷۴
الف:	دوره وزارت جنگ رضاخان	۷۴
ب:	دوره نخست وزیری	۷۶
ج:	دوره سلطنت	۷۷

۸۰	ب) بررسی تأثیرات اشغال ایران طی جنگ جهانی دوم
۸۰	۴-۱۰ ارتش
۸۶	۴-۱۱ راه ها
۸۶	۴-۱۱-۱ راه های شوسه
۸۶	۴-۱۱-۲ راه آهن سراسری ایران
۸۹	۴-۱۱-۳ بنادر
۹۰	۴-۱۲ بحران های اقتصادی
۹۲	۴-۱۲-۱ انگلستان
۹۴	۴-۱۲-۲ شوروی
۹۵	۴-۱۲-۳ آمریکا
۱۰۳	۴-۱۳ فضای سیاسی بعد از سقوط رضاشاه
۱۰۳	۴-۱۳-۱ مجلس پس از سقوط رضاشاه
۱۰۳	۴-۱۳-۲ احزاب
۱۰۴	۴-۱۳-۳ مطبوعات
۱۰۵	۴-۱۳-۴ آزادی زندانیان سیاسی
۱۰۷	۴-۱۴ آثار و پیامدهای اجتماعی اشغال ایران
۱۰۷	۴-۱۴-۱ ناامنی
۱۰۹	۴-۱۴-۲ بیکاری
۱۱۰	۴-۱۴-۳ مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ
۱۱۱	۴-۱۴-۴ به وجود آمدن تغییرات محسوس در قشر بندی جامعه
۱۱۳	۴-۱۴-۵ تشدید تضاد طبقاتی و قومی در جامعه
۱۱۴	۴-۱۴-۶ نبود امکانات بهداشتی و وجود بیماری
۱۱۵	۴-۱۴-۷ تشدید و قدرت یابی حس بیگانه ستیزی بین مردم
۱۱۸	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۱۹	مقدمه
۱۲۰	۵-۱ نتیجه گیری
۱۲۳	۵-۲ پیشنهادات
۱۲۵	منابع

چکیده

این پژوهش با استفاده از روش اسنادی - تاریخی و با ابزار فیش و با رویکرد کارکرگرای و با تکیه بر آرای مرتون، به بررسی و تحلیل تأثیرات اشغال ایران طی جنگ جهانی دوم بر روند توسعه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دوره رضا شاه پرداخته است.

رضا شاه که بعد از شرایط آشفته و نابسامان قاجاریه و با کودتا بر سر قدرت می‌آید، سعی بر ایجاد تغییرات اساسی در کشور دارد. اما با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۸، ایران نیز از شعله‌های این جنگ بی‌نصیب نماند و دو سال بعد، یعنی در شهریور ۱۳۲۰ توسط متفقین اشغال شد. این رویداد شوم اثرات تلخ و ناگواری بر مردم و کشور باقی گذاشت. ارتش که در همان ابتدا کاملاً منفعلانه عمل کرد و هیچ گونه دفاعی از مرزها صورت نگرفت، از سوی دیگر به بدنه اقتصادی کشور به شدت ضربه وارد آمد، طوری که اکثر کارخانجات تعطیل شده و بر شمار بیکاران روز به روز افزوده می‌شد. مردم نیز به دلیل کمبود مایحتاج ضروری خود با گرسنگی و قحطی و بیماری دست و پنجه نرم می‌کردند. اینها باعث شد تا جامعه با یک ناامنی گسترده و سیل مهاجرت از روستاها به شهرها روبه‌رو شود.

تنها در این شرایط نابسامان، قشر سیاسی کشور، با رفتن رضاشاه، به آزادی نسبی دست یافت و آن فضای اختناق آمیزی که دیکتاتور ایجاد کرده بود، شکسته شد.

شاید به جرأت بتوان گفت که کفه منفی کارکردهای اشغال ایران، به ویژه در کوتاه مدت، سنگین‌تر از کفه مثبت کارکردهای آن بوده است، هر چند که کارکردهای مثبت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

کلمات کلیدی: نوسازی اقتصادی، نوسازی سیاسی، نوسازی اجتماعی

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱ بیان مسئله

روانشناسان جنگ را پدیده‌ای فردی دانسته و پرخاشگری را جزو فطرت انسان می‌دانند؛ در حالی که جنگ، از لحاظ جامعه‌شناختی، یک پدیده اجتماعی است و جامعه‌شناسان آن را یک ابداع فرهنگی می‌دانند.

آلن بیرو در تعریف واژه «جنگ» (War) چنین می‌نویسد: «واژه جنگ از ریشه آلمانی «ویرا» گرفته شده که به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها (جنگ خارجی) و یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی) صورت می‌گیرد.» (بیرو، ۱۳۶۶: ۴۵۰) بوتول نیز جنگ را این گونه ترسیم کرده است: جنگ مبارزه‌ای مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان یافته است. (بوتول، ۱۳۷۴: ۳۳)

در رویکردی جامعه‌شناختی به جنگ، به دو نکته باید توجه کرد:

اول: جنگ نهادی اجتماعی است که باید با استفاده از تحلیل نهادی، آن را مورد بررسی قرار داد. دوم: رقابت بین کشورها و جوامع بشری در برخی از دوره‌ها به درگیری بین آنها منجر می‌گردد، که با توجه به اجتماعی بودن این پدیده، علل گوناگونی را باید مورد مطالعه قرار داد. در بینش جامعه‌شناختی، فرهنگ جامعه، روابط درون گروهی، روند جامعه‌پذیری اعتقادات و باورهای دینی و عقیدتی با دیگر نهادها موجب افزایش یا کاهش گرایش جوامع به جنگ می‌شود. در جنگ‌های خارجی، اساس، تضاد منافع دولت‌ها با یکدیگر است که نشان‌دهنده عدم تفاهم و بی‌ثمر بودن مذاکرات سیاسی و یا قراردادهای دوجانبه و چندجانبه است.

از گذشته‌های دور، ریشه یابی و بیان علل و عوامل پدیده جنگ، از موضوعات مورد توجه علما و فلاسفه جوامع بشری بوده است. علمای علوم مختلف درصدد تبیین ماهیت جنگ‌ها بوده‌اند و هر کس به نوعی و تا حدی توانسته این علل و عوامل را شناسایی کند. شاید مهمترین علل را باید خصیصه‌های گروه‌گرایی، قوم‌مداری، ملیت‌گرایی فرهنگی‌ها، روابط مبتنی بر ترس متقابل، نبود عدالت، برابری و احترام متقابل به یکدیگر و روابط بین‌الملل دانست. (ادیبی سده، ۱۳۷۹:۵)

رویکردهای مختلف اقتصادی، روانشناختی، سیاسی، حقوقی، زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی هر یک دارای دیدگاه‌هایی هستند که همگی دارای اهمیت‌اند؛ چرا که جنگ پدیده فوق‌العاده پیچیده بوده و منحصر به یک علت و یک عامل نیست و به وسیله یک نظریه و یا از یک دیدگاه خاص نمی‌توان به کل وجودی آن پی برد. (همان)

به عنوان نمونه، کارکرد گرایی که اساساً رویکردی محافظه‌کارانه است، بر نظم اجزای جامعه تأکید دارد و مخالف هر گونه تغییر و یا بحران است. این نظریه جامعه را متشکل از خرده‌نظام‌های (نهادهای) اجتماعی دانسته که بین آنها روابط پایدار و پیچیده‌ای وجود دارد. این نهادها با هم پیوستگی داشته و در حالت تعادل، هر یک دقیقاً وظیفه خود را نسبت به دیگری انجام می‌دهد؛ در این حالت نیروهای همبستگی بر نیروهای گسستگی غلبه دارند. اما با گسترش نیروهای گسستگی، تعادل به هم خورده و شرایط ساختاری برای تحول (انقلاب، نابسامانی، جنگ) فراهم می‌آید. (بشیریه، ۱۳۸۰:۲۲)

مبنای نظم و تشکیل نهادها هم، ارزش‌های اجتماعی هستند که خرده‌نظام‌ها، با تکیه بر آنها عمل می‌کنند؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که دو عامل عدم تعادل ارزش‌ها با محیط (ساختار) و استعداد جدال‌آمیز بودن جامعه که ناشی از کمیابی کالا است علت وقوع ستیزه‌ها است.

به طور کلی حوادث تاریخی از جمله جنگ‌ها معلول تصمیم‌گیری‌های فردی نیستند؛ بلکه معلول ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی هستند چنین نیست که جنگ‌ها تا هنگامی ادامه یابند که به پیروزی یکی از طرفین منجر شوند، بلکه به بیان دقیق‌تر، جنگ تا زمانی ادامه می‌یابد که ساخت‌های گوناگون جامعه کشش تداوم آن را داشته باشند و قادر باشند آنها را تأمین کنند؛ یعنی مدت زمان جنگ و

خاتمه آن تابع ظرفیت ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی موجود است. حتی اگر اراده گروه، قشر، رهبر یا رهبران با نفوذ به پیروزی یا خاتمه جنگ تعلق گیرد، ولی در عمل ظرفیت ساخت‌ها است که نتیجه نهایی را تحمیل خواهد کرد این فرآیند کلی و فراگیر است و نظام ارزش‌ها و اعتقادات و هنجارهای جامعه را نیز که بخشی از ساختارها هستند، دربرمی‌گیرد.

یکی از محورهای اساسی جامعه‌شناسی جنگ، بررسی آثار و نتایج آن است، آثاری که در بخش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قابل بررسی است.

در بعد اقتصادی، به طور خلاصه می‌توان گفت که اقتصاد جامعه در خدمت جنگ قرار می‌گیرد. از یک سو خط تولید به سوی تولیدات نظامی سوق می‌یابد و بودجه‌ها، جنگی می‌شود، و از سوی دیگر، در سطح جامعه قیمت‌ها افزایش یافته و احتکار و کم‌فروشی و یا گرانی‌فروشی حاکم می‌شود.

جامعه‌شناسان در بعد اجتماعی نیز تأثیرات محسوسی را عنوان می‌کنند؛ از جمله اینکه قشربندی اجتماعی دگرگون شده و در توزیع جمعیت به دلیل مهاجرت و یا کشتار مردم تغییراتی حاصل می‌آید.

البته شایان ذکر است که کارشناسان کارکردهای مثبت و همین‌طور اثرات منفی دیگری نیز عنوان کردند که در این جا مجال پرداختن به همه آنها نیست.

در اشغال، یک یا چند کشور درگیر در جنگ، وارد کشور دیگری شده و به دلیل داشتن قدرت خود و ضعف حاکمیت کشور اشغال شده، تمامی منابع آن را، از صنعت نفت و ارتباطات گرفته تا مواد غذایی و غلات را برای پیشبرد منافع خود بکار می‌گیرند و دولت موجود هم چاره‌ای جز تسلیم ندارد.

با شروع جنگ جهانی دوم، هر چند ایران در ابتدا بی‌طرفی خود را نسبت به طرفین درگیر در جنگ اعلام کرد؛ اما ۲ سال پس از آغاز جنگ، یعنی در سال ۱۳۲۰، ایران توسط متفقین اشغال شد.

ایران هم که با روی کار آمدن رضاشاه در سال ۱۳۰۴، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نسبتاً گسترده‌ای را آغاز کرده بود، با اشغال، به شدت آسیب دید و نه تنها ساختارهای مهم کشور، از جمله

بدنه اقتصادی- اجتماعی کشور به شدت ضربه خورد، بلکه در بعد انسانی نیز، فساد، بیماری، فقر و گرسنگی گریبانگیر ملت شد.

این تحقیق بر آن است که به تفصیل، اثرات جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین را بر روند توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران، در دوره پهلوی اول بررسی کنیم. به همین دلیل در ابتدا، فرآیند توسعه و اصلاحات را در زمان رضاشاه شرح داده بعد به موشکافی تأثیرات اشغال ایران بر این روند می پردازیم.

سؤال اساسی در این تحقیق این است که تأثیر جنگ جهانی دوم بر روند توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی اول چه بوده است؟

۲-۱ هدف های تحقیق

در آغاز هر پژوهشی لازم است که قبل از مطالعه و بررسی، پژوهشگر هدف خود را از موضوع مورد نظرش بیان کند، تا جهت مطالعات خود را روشن ساخته و تنها بر اساس هدف از پیش تعیین شده اقدام نماید. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیرات اشغال ایران، توسط متفقین، در طی جنگ جهانی دوم، بر ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور است.

اهداف فرعی عبارتند از:

- ۱- بررسی دستاوردهای مثبت و منفی اصلاحات اقتصادی صورت گرفته در دوره پهلوی اول.
- ۲- بررسی دستاوردهای مثبت و منفی اصلاحات سیاسی صورت گرفته در دوره پهلوی اول.
- ۳- بررسی دستاوردهای مثبت و منفی اصلاحات اجتماعی صورت گرفته در دوره پهلوی اول.
- ۴- بررسی نقاط ضعف کشور، هنگام اشغال توسط متفقین.
- ۵- بررسی ساختار اقتصادی کشور هنگام اشغال کشور.

۳-۱ اهمیت موضوع و انگیزش انتخاب آن

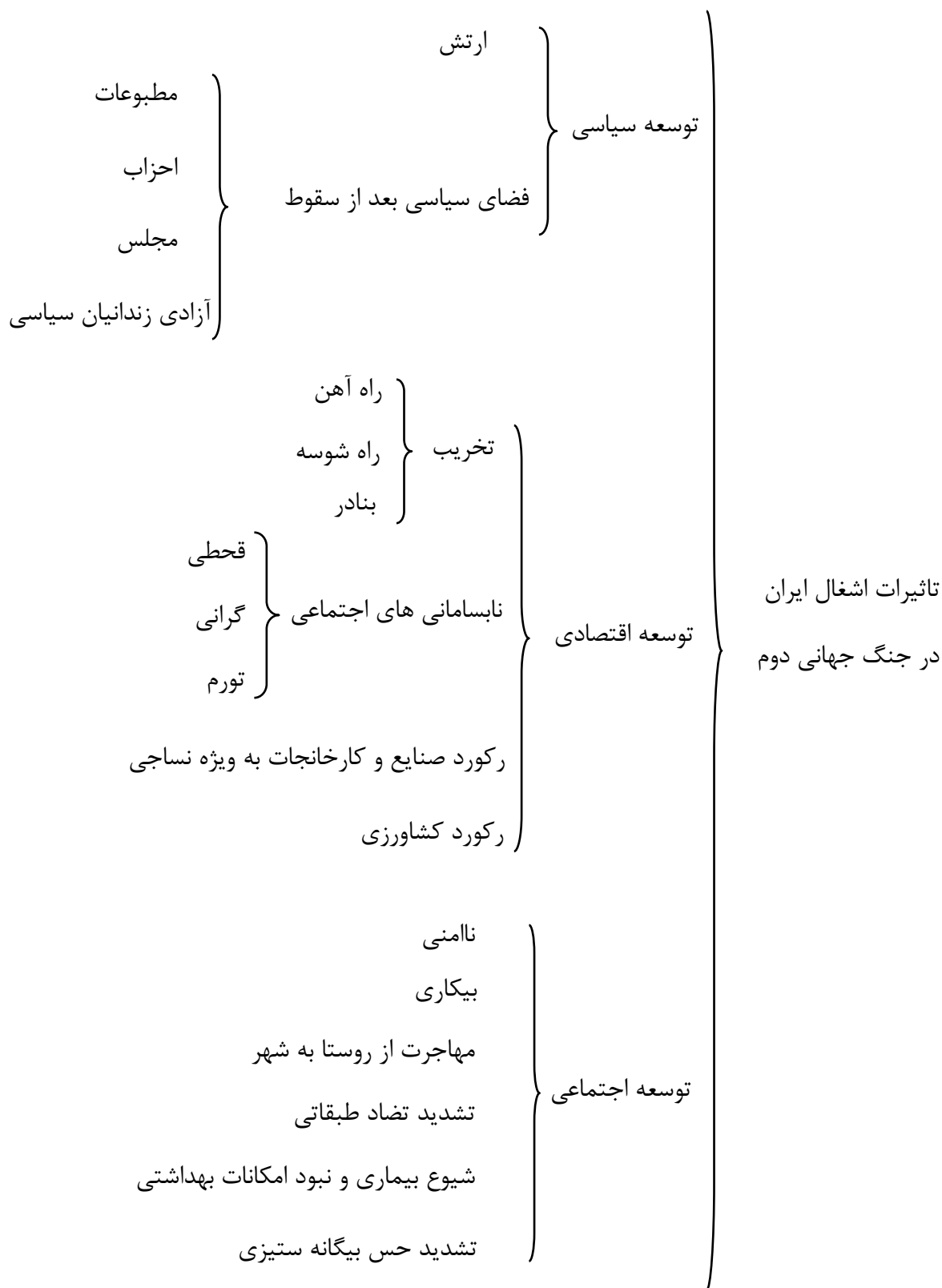
گرچه وقایع و رویدادهای تاریخی تکرار ناپذیرند، اما قوانین حاکم بر آنها قابل تکرار و شناسایی است. گزارش تاریخ هر چند در نگاه اول، سرگرم کننده و حتی گاه خسته کننده به نظر می‌رسد، اما اگر با دیدی تیزبینانه و عبرت‌گیر و همراه با تحلیل رویدادها بررسی شود، بسیار مفید بوده و مطمئناً می‌تواند چراغ راه آیندگان باشد.

چنانکه بزرگی می‌گوید: آنان که تاریخ نمی‌دانند، آن را تکرار می‌کنند؛ اما آنان که تاریخ را می‌دانند، تاریخ‌ساز خواهند شد. این تحقیق می‌خواهد با یک نگاه جامعه‌شناختی و از منظر جامعه‌شناسی توسعه، به برهه مشخصی از تاریخ ایران پیوسته و آن را تحلیل نماید، چرا که ایران امروز، هر چند درگیر جنگی نیست اما شعله‌های آن در کشورهای همسایه برافروخته بوده و گاه زمزمه‌ها و تهدیدهایی نیز از سوی قدرت‌های جهانی برای حمله به ایران شنیده می‌شود. پس خوب است که از تجربیات هر چند تلخ گذشته بهره‌جسته تا بهتر بتوان در شرایط مشابه، بحران‌ها را مدیریت و حتی پیش‌بینی کرد. چرا که امروز نیز ایران سریعتر از گذشته پله‌های توسعه و ترقی و پیشرفت را طی می‌کند.

۴-۱ سوالات تحقیق

- ۱- فرآیند توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران در دوره پهلوی اول چگونه بوده است؟
- ۲- کارکرد ارتش ایران همزمان با اشغال ایران توسط متفقین چه بود؟
- ۳- کارکرد مثبت و منفی اشغال ایران، بر توسعه اقتصادی کشور چه بوده است؟
- ۴- کارکرد مثبت و منفی اشغال ایران، بر توسعه سیاسی کشور چه بوده است؟
- ۵- کارکرد مثبت و منفی اشغال ایران، بر توسعه اجتماعی کشور چه بوده است؟

۵-۱ مدل تحقیق



۱-۶ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه های کلیدی

۱- توسعه Development

مفهوم توسعه برای نخستین بار، در حوزه علم اقتصاد، توسط «آدام اسمیت» و در کتاب «ثروت ملل» در قرن ۱۸ مطرح گردید. (تودارو، ۱۳۸۰:۳۹)

اصطلاح توسعه به معنای امروزی آن، به طور فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است و در لغت به معنای خروج از «لفاف و پوشش» است؛ که لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگی و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله خارج شوند. (صیامی، ۱۳۸۱:۲۹)

گاه توسعه با «رشد» به یک معنی به کار برده می‌شود؛ ولی این دو اصطلاح کاملاً با یکدیگر مترادف نیستند، بلکه رشد یک مفهوم یک بعدی دارد و منظور از آن از یاد کمی ثروت در جامعه است و معمولاً شاخص‌هایی نظیر درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود؛ اما توسعه علاوه بر از یاد کمی ثروت، از متغیر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت می‌کند. (ازکیا، ۱۳۶۵:۶)

توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کلی نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی و اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم نیز می‌باشد و در بسیاری موارد توسعه حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربردارد. (همان: ۷-۸)

تعریف عملیاتی

در تعریف عملیاتی توسعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- افزایش تولیدات اقتصادی همراه با افزایش پس انداز و انباشت سرمایه.
- ۲- کشف و توسعه منابع طبیعی جدید و پرورش مهارت‌های انسانی برای استفاده از این منابع
- ۳- افزایش تحرک جغرافیایی، اجتماعی و روانی.
- ۴- بالا بردن سطح کارایی دولت در جلب مشارکت مردم برای وصول به هدف‌های ملی.

۲- نوسازی Modernization

واژه «نوسازی» شاید معادل فارسی مناسبی برای کلمه Modernization (در انگلیسی و فرانسه)، که امروزه زیاد مورد استعمال دارد، باشد؛ و مفهوم آن با مفهوم تغییر و تحول وجه مشترک دارد و نیز با مفهوم ترقی و پیشرفت مترادف است. در یک معنای عام، مبین وضعیت جدید هر چیزی نسبت به وضعیت قبلی آن است، ولی معنای خاص علمی این مفهوم را باید در جامعه‌شناسی و در مبحث «تغییر اجتماعی» جستجو کرد. «تغییر اجتماعی» عبارت است از دگرگونی قابل رؤیت و بادوام در طول زمان، به طوری که بر روی ساخت و یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر بگذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون سازد. (روشه، ۱۳۶۶: ۲۶)

نوسازی علاوه بر معنای خاص تغییرات اجتماعی، در معنای فرآیند مبتنی بر استفاده عقلایی از منابع که غایت آن ایجاد یک جامعه نو و مدرن است نیز به کار برده شده است. (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۵)

مایرون وینر نوسازی را اصطلاحی فرآر می‌داند که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم معمولاً به معنای «رشد»، «به عقل روی کردن» و «رهایی از قید مذهب» به کار برده می‌شده است، و فرآیندی بود که آدمیان را یاری بخشید تا از قید و بند رژیم‌های جابر و نیز از خرافه پرستی آزاد گردند و امروز، مترادف دلیذیرتری است از مفهوم آمیخته به ابهام دیگری که «غربی شدن» می‌باشد. (همان: ۵-۶)

روشنفکران غرب‌گرای ایران، در صدر مشروطیت، واژه «تجدد» را به عنوان معادل «مدرنیزاسیون» و نوسازی برگزیدند. البته انگاره تجدد تنها معادل «مدرنیزاسیون» نیست و دارای بار خاصی است که هم با «مدرنیزاسیون»، به عنوان یک مفهوم جامعه‌شناختی، و هم با دو انگاره «تمدن» و «ترقی» گره خورده است. در نظریات مکتب نوسازی، فرآیند دگرگونی اجتماعی که طی آن «جامعه کمتر پیشرفته» مختصات «جامعه پیشرفته‌تر» را به خود می‌گیرد، مدرنیزاسیون تلقی شده، لذا مدرنیزاسیون نوعی فرهنگ‌پذیری است و مفهوم آن به عنوان یک کنش فرهنگی دارای معنایی بسیار وسیع‌تر از توسعه اقتصادی و اجتماعی است. (همان: ۷)

تعریف عملیاتی

با بررسی تعاریف گوناگون، می‌توان در توضیح تعاریف عملیاتی فرآیند نوسازی چنین نوشت که طرفداران این دیدگاه عناصری چون تعقل‌گرایی، خردورزی، نظم داشتن، سازمان داشتن، مشارکت، تقدیرگرا نبودن و محاسبه‌گر بودن را ماده اولیه و خمیرمایه جریان نوسازی دانسته و سطوح تحلیل خود را در سه سطح خرد، میانی و کلان قرار می‌دهند.

در سطح خرد، به عواملی چون زمینه‌های روانی و امتیازهای مردمی و متغیرهایی چون وجود روشنفکران و مروجان، تجار، جوانان و نوگرایی آنها تأکید دارد.

در سطح میانی بر عواملی چون وجود مدارس، کارخانجات و سازمان‌های تولیدی، شرکت‌های تعاونی، انجمن‌ها و گروه‌های پیشرو متمرکز می‌شوند.

در سطح کلان نیز بر چگونگی نظام ارتباطات، نظام آموزشی، نظام بوروکراسی دولتی، ارتش، شهرنشینی و صنعتی شدن توجه می‌کنند.

۳- توسعه سیاسی

توسعه سیاسی مفهومی است که در پی تحولات پس از جنگ جهانی دوم، با استقلال کشورهای تحت استعمار از یک سو، و نیز تهدیدات نظام‌های سوسیالیستی بلوک شرق، برای جهان سرمایه‌داری غربی در خلال جنگ سرد، و از سوی دیگر توسط جامعه شناسان و نظریه پردازان غربی به ویژه آمریکایی به منظور ارائه راه‌حل برای کشورهای تازه استقلال یافته و عقب مانده، به منظور تغییر و دگرگونی مطرح گردید.

آیندنگ‌ها و حوزه‌های توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشد، به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده می‌شود.

برای مثال در یک نظام سنتی پدرسالاری، رهبران قادر به بهره‌گیری مناسب از امکانات و منابع جامعه نبوده و از ظرفیت محدودی برای پاسخگویی به خواست‌های عامه برخوردارند. (قوام، ۱۳۷۱: ۱۶)

در یک جمع بندی کلی می‌توان توسعه سیاسی را اینگونه تعریف کرد:

توسعه سیاسی **Political development** افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی با رشد دموکراسی مترادف است و هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد. (همان: ۲۰-۲۱)

در توسعه سیاسی به علت کمیت‌ناپذیری عناصر کیفی آن، به طور دقیق نمی‌توان متغیرها را اندازه‌گیری کرد. از طرف دیگر درخصوص متغیرها میان محققان اتفاق نظر وجود ندارد؛ ولی در هر صورت شاخص‌هایی که از پذیرش بیشتری برخوردارند عبارتند از:

- ۱- میزان مشروعیت نظام و اهتمام مردم به دولتمردان.
- ۲- مشارکت مردم از طریق نهادهای اجتماعی، سیاسی نظیر انتخابات مجلس، احزاب و نهادهای سیاسی غیردولتی و مطبوعات و قدرت انتخاب حکومتی برخاسته از مردم بر مردم و میزان آزادی آنان.
- ۳- حکومت قانون و نه حکومت فرد، به شکل استبدادی و دیکتاتوری و غیرشخصی بودن نظام سیاسی.
- ۴- میزان اقتدار در پاسخگویی به نیازهای مردم از طریق ایجاد شبکه اداری کارآمد، فعال و حل‌قانونمند مشکلات و معضلات سیاسی.

۴- توسعه اقتصادی

باید بدین مفهوم «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» نیز تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی است کمی در حالی که توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. رشد اقتصادی به تعبیر ساده، عبارت است از افزایش تولید کشور در یک سال خاص، در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال مورد نیاز، به نسبت آن در یک سال پایه در حالی که توسعه اقتصادی عبارت است از رشد، همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی رشد کمی تولید حاصل خواهد شد، اما در کنار آن نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد.

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد که هر دوی آنها در راستای عدالت اجتماعی است:

-افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه کنی فقر).

-ایجاد اشتغال.

نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته هدف اصلی، افزایش رفاه و امکانات مردم است؛ در حالی که در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است. (<http://.Roshd.ir>)

تعریف عملیاتی

از جمله شاخص های توسعه اقتصادی به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱- شاخص درآمد سرانه: از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می آید.

۲- شاخص برابری قدرت خرید (PPP): مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می گردد.

۳- شاخص درآمد پایدار: در این روش، هزینه های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می گردد نیز در حساب های ملی منظور می شود. (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می آید.

۵- توسعه اجتماعی

مفهوم توسعه اجتماعی بسیار جامع تر از توسعه اقتصادی است و ایده ها و اهداف گسترده تری را دنبال می کند. توسعه اجتماعی بیانگر پدیده بهزیستی کلیه افراد جامعه است و بهزیستی کمی و قابل اندازه گیری نیست. در واقع می توان گفت که توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی به ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت انسانها می باشد. (کلانتری، ۱۳۷۷: ۲۱۱)